

نگاهی به کورت ونه گات و نوشته هایش

بله، رستم روزگار چنین است

محسن ادهم

لاجیکالیسم و سکولاریسم در چالش با کلیسا



از بنیان‌های دانستان‌های علمی تخیلی کمک گرفته و در دل داستان‌هایی رئال، زمان را بی اعتبار می‌کند و از تفکرات ترالفا مادوری ها چنین می گوید :

"وقتی کسی می‌میرد به ظاهر مرده و در گذشته خیلی هم زنده است"

ونه گات با ساختن ترالفا مادور و هم خوابگی بیلی پیل گریم با جفتی که ترالفامادوری ها از زمین برایش می آورند (مونتانا وایلد‌هاک ستاره سینما) به نوعی قوانین نظام سرمایه داری را کمیک جلوه داده و سیاره‌ی دیگری را آرمان شهر خود قرار می دهد .

جامعه‌های مدرن غربی از نظر فوکو نه تنها میل جنسی را سرکوب نمی‌کنند بلکه جنسیت را به شکل رشته‌ای بی پایان از گفت‌وگوی جنسی، مطالعه‌ی مسایل جنسی و نظریه‌ی جنسی رواج می دهند

در طی این سال‌ها همه‌ی کسانی که مرا دیده اند، اغلب در مورد کار نویسنده‌گی‌ام سوال کرده اند. من هم معمولا جواب می دهم کار اصلی من در اطراف درسدن دور می زند .

اغلب کسانی که در مورد آثار ونه گات قلم فرسوده اند، او را نویسنده‌ی آثار علمی - تخیلی می‌دانند اما خود او این قضاوت را نادرست خوانده و می گوید که او چیزهای علمی ای میداند که شاید دیگران نمی دانند . و با زبان طنز گونه ای اشاره می کند به رشته تحصیلی اش یعنی : شیمی !

در واقع باید ونه گات را نویسنده ای دانست که قوانین و قواعد دنیای مدرن را در پس‌زمینه‌ی جنگ، با طنزی تلخ و به گفته‌ی مجله‌ی هارپر مگزین " ناشی از افسرده‌گی " ، به چالش می کشد . او با دیدگاهی پست مدرنیستی در اغلب آثارش

جهانی دوم را کلید زد هرگز فکر نمی کرد که یک آمریکائی آلمانی الاصل در سال ۱۹۴۵ به عنوان اسیر جنگی وارد درسدن خواهد شد و از بمباران متفقین جان سالم به در خواهد برد . بی‌گمان متفقین هم باور نمی کردند که یک نوجوان دست و پا چلفتی در زیر زمینی به نام " سلاخ‌خانه‌ی شماره‌ی پنج " در شهر " زمرد " اسیر آلمان‌ها بشود و سال‌ها بعد یعنی در ۱۹۶۸ دست به نگارش ادبیات جنگ بزند . اگر یک نفر دیگر مثل خود بیلی پیل گریم پیدا می شد و می توانست در بعد زمان سفر کند ، هیچ‌گاه درسدن بمباران نمی شد و ۱۳۴۰۰۰ نفر که در یک روز تبدیل به خاکستر شدند ، به زندگی عادی خود ادامه می دادند .

کورت ونه گات جونیور در بخش یکم رمان سلاخ‌خانه‌ی شماره‌ی پنج می‌نویسد :

در سال ۱۹۰۲ موسسه‌ی مطبوعاتی رشنالیست جزوه ای تحت عنوان " پرسش‌نامه مذهبی جدید " منتشر کرد. اعتقاد مورد آموزش این جزوه نه اعتقاد به مسیحیت بلکه اعتقاد به خرد انسان سکولار بود.

این جزوه با پیش‌گفتار پرشوری آغاز شده بود :

"ما قرن بیستم را با نام صلح، آزادی و ترقی تعمیم می دهیم ! ما قرن جدید را قرن یک مذهب عاری از خرافه ، سیاست عاری از جنگ ، علم و هنر عاری از مادی گرایی و ثروت بدون سیاه روزی و گناه می خواهیم "

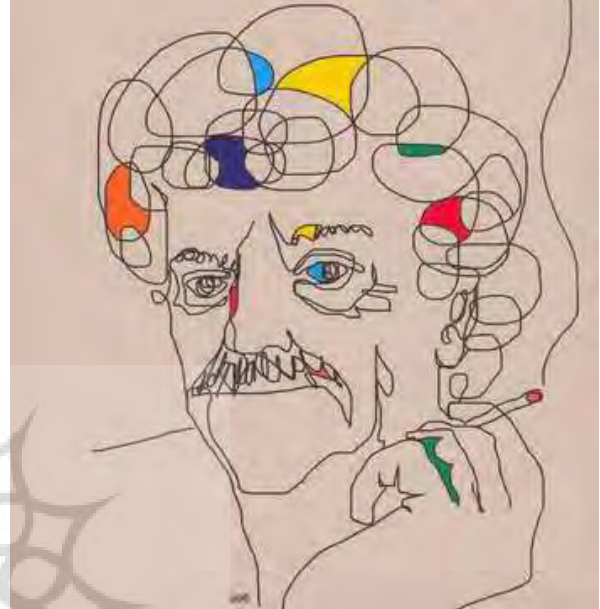
اما قرنی که با نام صلح، آزادی و ترقی تعمیم یافته بود ، علاوه بر هر چیز دیگر ، قرن جنگ های جهانی در مقیاسی شد که هرگز مشاهده نشده بود !

سال ۱۹۳۹ که هیتلر جنگ

مردی وطن

کورت ونه گوت

ترجمهٔ زیبا گنجی - پریاسلیمان زاده



آورد .
صحیح است
هر چه بمب هیدروژنی بیشتری داشته باشیم بخصوص اگر همه هم تنظیم شده باشند تا در یک لحظه به کار بیافتند ، بشر امنیت بیشتری دارد و دنیایی که نوه های ما به ارث خواهند برد بهتر خواهد بود .
صحیح است
نباید توقع داشت ایالات متحده آمریکا مراقب مردم خودش باشد .
صحیح است
طنز افسرده و سیاه او ، شخصیت های اصلی رمان هایش را در تنگنای سرنوشت ، اسیر و محصور می داند به گونه ای که بیلی پیل گریم در سال ۱۹۶۷ دعای قاب گرفته را روی دیوار اتاق کارش نصب کرده با این مضمون :
" خدا یا مرا صفایی عطا کن / تا آن چه را توانایی تغییر ندارم / بپذیرم / مرا شجاعتی عطا کن / تا آن چه را توانایی تغییر دارم / تغییر دهم / و خردی ، / تا آن دو را از هم باز شناسم "

نویسنده بعدا با آوردن متن دعا با لحنی در مانده می گوید " از میان چیز هایی که بیلی پیل گریم قدرت تغییر آن ها را نداشت ، گذشته ، حال و آینده او بود .
یا در رمان " شب مادر " هوارد دبلیو کمبل جونیور نویسنده که یک نازی متهم به ارتکاب جنایات جنگی است در زندانی در اورشلیم با یکی از نگهبانان زندان به نام گوتمان که صحبت می کند متوجه می شود ، که " گروه ویژه از زندانیان تشکیل می شود ، وظیفه شان این بود که محکومین را به اتاق های گاز برانند و بعد جنازه هایشان را بیرون بریزند



شاید ونه گات می خواهد خود را از قرار گرفتن تحت جمله ای مانند این از فوکو نجات دهد که :
" آیا این همه ی بحث که باعث شده نگران و در گیر موضوع جنسیت شویم متأثر از این دغدغه ی اصلی نیست ... که جنسیتی بسازیم تا از لحاظ اقتصادی مفید و از لحاظ سیاسی محافظه کار باشد ؟ "
بسیاری از نظریه پردازان جامعه ی پست مدرن معتقدند که دیگر قدرت توسط یک دولت یا طبقه ی یک پارچه و یک دست و یگانه ، که خودش را بر مردم تحمیل کند ، اعمال نمی شود . سیاست پست مدرن به جای این که اعتقادات شما را متوجهی مدینه ی فاضله ای که روزی سرنوشت انسان را تغییر خواهد داد بکند ، می گوید که بهتر و ارزشمند تر آن است که قدرت را

در سطح روزمره به چالش بکشیم .
این سیاست آقای نویسنده است در اکثر رمان هایش .
کورت ونه گات در " مرد بی وطن " در مورد حدس زنده گان طول تاریخ صحبت می کند و از " ارستو و هیتلر ، یکی حدس زنده ی خوب و یک حدس زنده ی بد " نام می برد . او می گوید بعضی از پر سرو صدا ترین و در نهایت غرور ، جاهلانه ترین حدس های جهان در این دوره و زمانه در وا شننگتن هم چنان در کار است .
نمونه هایی از حدس های مد نظر او :
میلیون ها چوق پولی که بابت بهداشت عمومی صرف می شود تورم زاست .
صحیح است
میلیاردها دلاری که صرف اسلحه می کنند تورم را پائین می



جمله ی : " بله ، رسم روزگار چنین است ."

وحال برای سپاس گزاری از این مرد شوخ طبع که تمام زندگی اش را وقف نكوهش جنگ نمود امید واری او را در " مرد بی وطن " به حقیقت تبدیل کرده و می گوئیم : « کورت حالا جاش تو بهشته . »

منبع

- ۱- پسامدرنیسم در بوته نقد (مجموعه مقالات) ، خسرو پارسا ، تهران ، نشر اگه ، ۱۳۸۶
- ۲- پست مدرنیسم ، گلن وارد ، قادر فخر رنجبری ، ابوذکر کرمی ، تهران نشر ماهی ، ۱۳۸۷
- ۳- مدرنیسم ، پیتر چاپلنز ، رضا رضایی ، تهران نشر ماهی ، ۱۳۸۶
- ۴- مرد بی وطن ، کورت ونه گات ، حسین شهبازی ، تهران ، نشر کاروان ، ۱۳۸۶
- ۵- شب مادر ، کورت ونه گات ، علی اصغر بهرامی ، تهران ، نشر روشنگران و مطالعه زنان ، ۱۳۸۳
- ۶- سلاخ خانه شماره پنج ، کورت ونه گات ، علی اصغر بهرامی ، تهران ، نشر روشنگران و مطالعه زنان ، ۱۳۸۷
- ۷- جنگ جهانی دوم در اروپا ، فیلیپ گاوین ، مهدی حقیقت خواه ، تهران نشر ققنوس ، ۱۳۸۶

چنان قوی بود که می توانست سوراخی آنقدر بزرگ در تن انسان ایجاد کند که به گفته ی ویری (همراه بیلی) یک مرغ پشه خوار می تواند از میان زخم رد بشود بدون اینکه بالهایش به جایی بخورد . " یا درموردی دیگر ویری در مورد کارد سنگر عجیب غریبش از بیلی می پرسد : " می دونی چرا تیغه اش مثلث شکله ؟ " بیلی می گوید : " نه " و می شنود : " زخمش دیگه به هم نمیاد . "

ونه گات با استفاده از سوژه ی جنگ از شخصیت های رمانش آدم هایی می سازد که به قول خودش : « بدون استفاده از مغز ، با نخاع خود فکر می کنند »

بیلی پیل گریم که در واقع بازتابی از شخصیت و روزگار خود آقای نویسنده است با شنیدن صدای سوت بلندی در سال ۱۹۶۸ در دفتر کارش ، فکر می کند که جنگ دیگری در راه است چرا که ، " بیلی مدت ها بود انتظار شروع جنگ سوم جهانی را می کشید . " و شاید این هشدار است برای پیش گیری از جنگ ، برای پیش گیری از کشت و کشتار و برای پیش گیری از تکرار

لبان انسان معاصر شکل می دهد . ونه گات در آغاز رمان از بیلی پیل گریم شخصیتی خنده دار و ترحم بر انگیز می سازد که " یک مترو هشتاد و هشت سانتی متر قد و سینه و شانیه هایی مثل قوطی های بزرگ کبریت آشپزخانه " دارد . او در ابتدای پرداختن به شخصیت بیلی می گوید : " ابتدا به سربازها شباهت نداشت . مثل یک فلامینگوی چرک بود " بیلی نوجوان هجده ساله ای است که قواعد جنگ را نمی داند و زمانی که دشمن به سوی او و سه نفر از همراهانش تیر اندازی می کند ، مودبانه می ایستد و به تیر انداز فرصت دیگری می دهد .

" به دلیل درک آشفته ای که از قواعد جنگ در ذهنش بود گمان می کرد باید فرصت دیگری به تیر انداز داده شود "

در مورد ادوات جنگی ، ونه گات نوعی تپانچه به نام " تپانچه ی درینجر " را معرفی می کند و با طنزی اغراق آمیز در موردش می گوید : " این تپانچه آن قدر کوچک بود که در جیب جلیقه جا می گرفت اما با همه ی کوچکی

افراد زوندکماندو یا همان گروه ویژه وقتی کارشان تمام می شد خودشان را هم می کشتند . "

هوارد می پرسد : " چرا ؟ " گوتمان می گوید : " اگر بتوانی کتابی بنویسی که جواب درستی به این " چرایی " خودت ، بدهد این کتاب دیگر حرف ندارد . "

نگارنده در بررسی موشکافانه ی " سلاخ خانه ی شماره ی پنج " بر این امر اهتمام دارد تا نگاه طنز آلود نویسنده به مقوله ی جنگ را پیش روی مخاطبان قرار دهد . تصاویری دلخراش که در عین حال رد پائی از لبخندی تلخ و سرخورده را گوشه

